

منشکلی ۵۰

رحمان حسین زاده

طبقه کارگر فرانسه، پیروزی ممکن است

نگاهها به تحریک طبقه کارگر فرانسه و اعتراضات گسترده و میلیتانت جاری در این کشور خیره شده است. بار دیگر امید به سد کردن تعرض بورژوازی علیه زندگی و معیشت کارگران و شهروندان جامعه در مرکز اروپا زنده شده است. این پییده پر شور و قدرتمند تا همین جا حق طلبی و سرزندگی طبقه کارگر در یکی از کلونهای قدرتمند خود در قلب اروپا را نشان میدهد.

پیروزی ممکن است

شواهد تاکنونی نشان میدهد پیروزی در این جدال طبقاتی ممکن است. اتحادی بزرگ و گسترده حول هدفی مشخص و خواست لغو لایحه افزایش سن بازنشستگی دولت راست سارکوزی بوجود آمده است. هماهنگی و اقدام مشترک اتحادیه های کارگری بیش از سه میلیون و نیم انسان کارگر و کارکن، دانشجویان و دانش آموزان را در ۲۷۷ راهپیمایی و مکان تجمع اعتراضی گرد

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۰ مهر ۱۳۸۹
۲۲ اکتبر ۲۰۱۰



ثریا شهبایی

ترقیخواهی و

"ولتر" های کاغذی

خبر زیر را بخوانید:

شیرین عبادی، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل و اکبر گنجی، روزنامه نگار ایرانی، نسبت به اعطای جایزه سال ۲۰۱۰ «آزادی و آینده رسانه ها» به کورت وسترگارد، کاریکاتوربست دانمارکی که انتشار کاریکاتورهایش درباره محمد و اوکتش شدید برخی از مسلمانان را در پی داشت، اعتراض کردند. این دو، به این خاطر محل مراسم را ترک و از شرکت در مراسم اعطای جایزه خودداری کردند. کورت وسترگارد همان کسی است که در سال ۲۰۰۵، در اعتراض به کاریکاتورهایش در باره محمد، حملات گسترده ای در کشورهای اسلام زده روی داد که در جریان آن چند نفر جان خود را از دست دادند.

شیرین عبادی، در انتقاد نسبت به اعطای این جایزه به این کاریکاتوربست، میفرماید که: «وی با کاریکاتورهایش احساسات مذهبی را جریحه دار کرده است»، از این بیشتر او «با کاریکاتورهایش به نفرت در جهان دامن زده است» و «در راستای اسلام ستیزی در برخی از کشورهای اروپایی در اینجا به یک کاریکاتور توهین آمیز درباره پیامبر اسلام جایزه داده اند». کاری که بنظر ختم عبادی «بر اساس صفحه ۳



آورد. در تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر اروپا و فرانسه همین مبارزات جاری برای اصلاحات و رفرف بارها پیروزی کسب کرده است. برای نمونه طبقه کارگر فرانسه تا این لحظه تنها پرچمدار به کرسی نشاندن خواست

۳۵ ساعت کار در هفته در ده سال قبل بوده است. قدرتمندی و متشکل بودن مبارزه کتونی و حمایت ۷۰ درصدی افکار عمومی کل جامعه فرانسه از این اعتصابات و اتکا به سازمان و سازمانیافتگی در تحریک جاری فاکتورهای نوید دهنده پیروزی این مبارزه است. چنین پیروزی نه تنها تناسب قوای جاری بین بورژوازی و طبقه کارگر در فرانسه را تغییر میدهد، بلکه ابعادی فراکشوری خواهد داشت. جغرافیای این صف آرابی فرانسه است، اما ابعاد تأثیرات آن و نتایج عقب نشینی و یا پیشروی برای نیروی دو سوی این نبرد طبقاتی، بازتاب جهانی و به ویژه اروپایی خواهد داشت. پافشاری غیر منعطف تاکنونی تصمیم گیرندگان دو طرف این کشمکش بر سیاست اعلام شده خود، دقیقاً

است که بهنگام اجرای آن گریبان طبقه کارگر و مردم محروم را میگیرد و باز هم زندگی بسیار دشوارتری را تحمیل میکند. خواست متوقف کردن "طرح هدفمند کردن پارانه ها" در صورتی که بتواند به خواست بخشهای دیگر کارگران و گروه ها و محافل در محل های

کارگران در ایران است که در "منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران" اعلام شده است. قطع سوسپید ها و یا نام بسیار فریبنده آن که هدفمند کردن پارانه ها باشد، طبقه کارگر و مردم زحمتکش در ایران را یکبار دیگر با مصاف بسیار بزرگی روبرو کرده است. خواست متوقف کردن این طرح از طرف بخشی از کارگران متشکل، دیدن تمام واقعیتی

است که بهنگام اجرای آن گریبان طبقه کارگر و مردم محروم را میگیرد و باز هم زندگی بسیار دشوارتری را تحمیل میکند. خواست متوقف کردن "طرح هدفمند کردن پارانه ها" در صورتی که بتواند به خواست بخشهای دیگر کارگران و گروه ها و محافل در محل های



اسد گلچینی

طرح هدفمند کردن

پارانه ها باید متوقف گردد!

خواست متوقف کردن "طرح هدفمند کردن پارانه ها" یکی از مطالبات

مصالح ریبوار

خطرات محیط کار یا جبهه ی جنگ طبقاتی؟!

هنوز ماجرای کارگران معدن شیلی در صدر اخبار بود که قتل ۲۰ کارگر معدن



نوبل پزشکی، شلیکی

دیر هنگام به مذهب

سیف خدایاری

اعطای جایزه پزشکی نوبل به رابرت ادواردز که پس از سه دهه تحقیقات پزشکی در سال ۱۹۷۸ با خلق جنین انسانی در لوله آزمایشگاه (IVF) به گفته آکادمی نوبل توانست "شادی را برای مردم ناباور در سرتاسر جهان به

نتایج جنگ اعلام نشده علیه طبقه ی کارگر است؛ تازه در تنها یکی از جبهه ها!

به اسارت گرفتن زنان و کودکان، واداشتشان به کارهای سخت و پست، از جمله: کارهای خانگی، ساختمانی، تن فروشی و بالاخره وجود ۳۰۰ هزار کودکسرباز درکدام سیستم

ارمغان آورد" در دنیای علم و پزشکی چندان شگفت آور نیست. چند ماه پیش لوئیز براون کودک حاصل لقاح مصنوعی سی و دومین سال تولدش را جشن گرفت و بیش از چهار میلیون و سیصد هزار نفر در سرتاسر جهان با کمک این

گفت و شنود با رهبری حزب حکمتیست

اوضاع سیاسی ایران، حزب حکمتیست و مصافهای دور آتی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طبقه کارگر فرانسه...

تشکلهای کارگری موجود است. تحزب

و سازمان حزبی زیر پوشش "کمونیسم و سوسیالیسم" در میان آن نقش داشته و دارد. با این وجود از کمون پاریس به این طرف برد مبارزاتی این طبقه مقطعی و محدود بوده و با وجود جانفشانیهای عظیم نتوانسته خود و جامعه را از شر مصائب نظم استثمارگر سرمایه و تحذیبات روزانه آن رها کند. اینجا است به این پاسخ میرسیم که طبقه کارگر متشکل و سازمانیافته فرانسه به افق و تصویر کمونیستی مارکسی و به پرچم و تحزب کمونیستی در مبارزه جاری و در جدال قدرت نیازمند است. به کمونیسمی نیازمند است که علاوه بر اینکه قدم به قدم در مبارزات جاری و برای تامین شرایط بهتر زندگی و کاراها و هدایت گر و متحد کننده طبقه کارگر است، فراتر از آن مستمر و پیگیر توجهات جناح چپ بورژوازی برای دست نبردن به دگرگونی اساسی وسایط کردن بورژوازی را کنار بزند. نه تنها ممکن

طبقه کارگر فرانسه به کمونیسم مدعی قدرت نیازمند است.

بودن پیروزی در مبارزات جاری بلکه ممکن بودن پایین کشیدن بورژوازی و دولت و دم و دستگاه آن از اریکه قدرت نشان دهد. نه تنها باریگر این جوهر پایه ای کمون پاریس تصرف قدرت توسط کارگران و ایجاد حاکمیت کارگری بلکه با درس گرفتن از نتوانها و کمبودهای آن تجربه حفظ حاکمیت کارگری و گسترش دامنه اقتدار آن و مهمتر دست بردن به اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را جبران کند. همین امروز به کمونیسم و حزب کمونیستی نیاز هست که در جدالهای کوبنده جاری نه تنها ممکن بودن پیروزی همین مبارزات، بلکه با اتکا به همین نیروی میلیونی، سازمانیافته و میلیتنت کارگری جسارت پایین کشیدن هیئت حاکمه بورژوازی را داشته باشد. انقلاب کارگری و حکومت کارگری را بار دیگر ممکن و عملی سازد.

چنین رسالتی را نه هر جریان به اصطلاح مدعی "کمونیسم" بلکه تحزب کمونیستی کارگری با افق روشن و مدعی قدرت، درهم تنیده با مبارزات جاری و سوخت و ساز دایمی طبقه کارگر سرزنده و فعال فرانسه میتواند ممکن کند. در دل جدالهای تعیین کننده همین روزها آیا کمونیستهای متعهد به طبقه کارگر در فرانسه چنین نیازی را تشخیص داده اند؟ تشخیص عاجل چنین نیازی یک شرط مهم بنیاد گذاشتن کمونیسم متمایز کارگری و حزب کمونیستی مدعی قدرت در جدالهای طبقه‌ای و سیاسی تعیین کننده جامعه همیشه پر از تحول و کشمکش اجتماعی فرانسه است.

طرح هدفمند کردن یارانه ها ...

کار و زندگی تبدیل شود، در صورتی که به شعار مبارزه این دوره کارگران و دانشجویان و زنان در همه جا تبدیل شود و در یک کلام بعنوان مهمترین حمله طبقه سرمایه دار در ایران و دولتش به طبقه کارگر و مردم ستمدیده دیده شود، قاعدا باید بیشترین فعالیت متحد و متشکل را برای گذاشتن سد در مقابل اجرای این طرح ایجاد کرد.

این خواست بدون تردید باید به خواست همه ما کمونیستها و شبکه بزرگی از کارگران مبارز و فعالین و دوستداران آنها در همه گروه ها و تشکل های کارگری و در دانشگاه ها تبدیل شود. راه های بسیار زیاد و جدی برای طرح این موضوع و اجتماعی کردن این خواست وجود دارد، لازم است هر کدام را در جای خود بکار گرفت، هدف ایجاد صف متحد و آگاهی باید باشد که نیروی اعتراض کنونی به این طرح را سازمان میدهد. طبقه کارگر مانند بسیاری عرصه های دیگر در این مبارزه تنهاست و تنها در اتکا به قدرت سازمانیافته اش و قدرت بسیج نیرویی که در همه مراکز کوچک و بزرگ کل و در محلات کارگری و مدارس و دانشگاه ها میتواند گرد آورد قادر به این رویارویی است. تنها در این صورت هر بخش دیگری از جامعه قادر به اعتراض موثر به این طرح است.

سرمایه داران در ایران، همه بخشهایش، از کوچک تا بزرگ و از دولتی و نیمه دولتی تا خصوصی، و از سرمایه دار طرفدار طرح های اقتصادی اصولگرا ها تا سرمایه داران طرفدار اصلاح طلب و جنبش سبز، همه با اجرای قطع سوبسید ها موافقت و

آن را راه حلی برای رونق اقتصاد سرمایه داری در ایران میدانند. حتی آن بخش از سرمایه داران و روشنفکران این طبقه که از این طرح ناراضی اند و یا آن را کافی میدانند مخالفتشان از سر ناکافی و نارسا بودن این طرح برای دست یافتن به کار ارزان و اقتصاد آزاد و ازاد کردن قیمت ها است. همه بخشهای سرمایه داران در این طرح نینفعند و هر سهمی که قرار است در پی افزایش قیمت ها آنها بگذارند، و یا به اصطلاح متضرر شوند، بلافاصله از سوی حمایت های دولتی از واحد های اقتصادی از یک طرف و از طرف دیگر از طریق افزایش قیمت هر نوع کالایی که تولید میکنند، ضرر را جبران میکنند و آنها مشکلی نخواهند داشت. هر نوع فشاری به مغازه دار و سوپرمارکتی محل، تا شرکت های ماشین سازی و حمل نقل

و ... بلافاصله به معنای افزایش قیمت ها برای مشتری و خریدار است.

قطع سوبسید ها و به اصطلاح طرح هدفمند کردن یارانه ها را باید با طرح قرارداد موقت کار در استخدام کارگران در ایران و حذف بخشهای بسیار زیادی از کارگران از شمول قانون کار برابر دانست. امروزه بیش از ۸۰ درصد کارگران در ایران با قرارداد های موقت و سفید امضا استخدام شده اند و این شرایط بسیار نامن و شرایط کاری دشوار و کم هزینه برای سرمایه دار را ایجاد کرده است. با اجرای هدفمند کردن یارانه ها، طبقه کارگر در ایران متحمل یکی دیگر از بزرگترین تعرض های طبقه سرمایه دار و دولتش به سطح زندگی خواهد بود. کارآرزان مانند چین و بنگلادش را باید به طبقه کارگر تحمیل کند تا بحران اقتصادی سرمایه را از سر بگذرانند. بحران سرمایه داری طبق منطق سرمایه داران باید بر گرده طبقه کارگر و محروم کردن بیشترش از زندگی اجتماعی و امروزی تامین شود. این را همه بخشهای بورژوازی نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا میگویند و بر سر آن متحدند. بیش از احمدی نژاد و رفسنجانی و موسوی، این بانک جهانی پول و صندوق بین المللی پول است که راه حل خود را به بورژوازی ایران نشان میدهد. نقش و شخصیت احمدی نژاد، بر خلاف تصور ناسیونالیستی و مضحک اپوزیسیون ملی و چپ، نه تنها از نظر دولتها و شرکت ها و سرمایه داران دنیا منفور نیست بلکه یکی از مهمترین مهره هایی است که احتمال انجام این تحول اقتصادی به نفع سرمایه داری "وطنی" و جهانی به وسیله او در ایران ممکن میشود.

در برابر چنین وضعیتی صدای کارگران آگاه و متشکلی که در منشور مطالباتی خود خواهان قطع هدفمند کردن طرح یارانه ها هستند صدای متحدی است که باید وسیعا مورد حمایت قرار بگیرد و نه تنها حمایت بلکه با متنوع ترین و گسترده ترین فعالیتها در همه مراکز کار و محل زندگی و در مدارس و دانشگاه به خواست بخش مهمی از طبقه کارگر و مردم محروم در ایران تبدیل شود. این صف قادر به عقب راندن تعرض افسارگسیخته و دهشتناک سرمایه داران بر طبقه کارگر است. بتور این کارزار بزرگ طبقه کارگر را باید گرم کرد.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ترقیخواہی و "ولتر" های...

مادہ ۲۰ میثاق جهانی حقوق منی و سیاسی که جمهوری فدرال آلمان هم آن را امضا کرده است، دامن زدن به نفرت در میان اقلیت های قومی و مذهبی، همان کاری که آقای ولتر انجام داده، ممنوع است. این انتقاد خاتم عبادی و آقای گنجی است، نه احمدی نژاد و ده نمکی!

ریچارد داوکین، بیولوژیست انگلیسی، نقد مذهب و خدا یکی از فعالیت های محوری اش است. او در سفر اخیر پاپ، رهبر کتولیک های جهان به لندن، خواستار دستگیری پاپ شد. طی کمیپنی، جمعیت وسیعی پاپ را به خاطر تلاشش برای سرپوش گذاشتن بر پرونده کشیشان پدوفیل مورد حمله انتقادی قرار دادند و خواهان دستگیری و محاکمه او شدند. داوکین سخنران این کمپین، در حمله به شخص پاپ، جدا احساسات صدها میلیون کتولیک جهان را جریحه دار کرد. بسیاری از کتولیک ها از کار او اظهار "نفرت" کردند. داوکین خوش شانس است که از تیررس دستگاه آزادیخواهی - قضایی خاتم عبادی و آقای گنجی، جان سالم بدر برده است.

تکلیف آن بیچارگانی که به خاطر حمله "آسیب دیدگان احساسی"، به قتل رسیدند چه میشود؟ این قتل ها در دستگاه آزادیخواهی و عدالت "ولتر" های وطنی" ما، کجا وارد میشوند؟

چه کسی پاسخگویی قتل آنها است، با استدلال باتوی نوبل، لایب کاریکتوریست مربوطه مسئول قتل مردم بیگناهی است که قربانی "احساسات جریحه دارشده" شده اند. نفرت انگیز و مشتمن کننده است.

با این درجه تحمل مخالف توسط این "ولتر" های کاغذی، ما باید ببینیم که فردا در جامعه "آزاد" آنها، به من و شما کمونیست، منتقد مذهب، آنتیست، مخالف استثمار، طرفدار آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، به طرفداران ممنوعیت دخالت در زندگی جنسی زنان، به همجنسگرایان و .. اجازه داده خواهد شد که صحبت کنیم! و این دو قهرمان ملی حقوق بشر، و برندگان جوایز بین المللی، "حاضرند جانشان را بدهند تا ما حرف مخالفان را بزنیم!"

همه میدانند آن میثاق های جهانی چند پهلوی، با استانداردهای دوگانه، و بتضام انواع تبصره ها و پاراگرافهای مخفف، پاراگرافهایی که در "احترام" به و "درک" عقب ماندگی امثال خاتم عبادی و آقای گنجی و دولتهای سرکارشان گنجانده شده است، به چه درد میخورد. از جمله به همین دردی که این دو ولتر کاغذی، با آن داعیه های آزادیخواهانه شان راء درمان کنند.

میثاق های جهانی، که اساسا ابزار نیللماسی فی مابین دولتهاست تا وسیله جدی احقاق حقوق کسی. میثاق ها و کنوانسیونهایی که مطابق آنها، هم میتوان حرف از حقوق کودک زد و هم

به خاطر رعایت همان احساسات مورد نظر خاتم عبادی کودک آزاری کرد! هم میتوان تعرض به زنان را ممنوع اعلام کرد هم آن را به حکومت های اسلامی بخشید!

خاتم عبادی هوش زیادی بکار برده اند تا فرمولبندی "مناسب" و مد روزی برای طرفداری از ممنوعیت نقد مذهب، پیدا کنند. پاپ رهبر کتولیک ها و خامنه ای باید از ایشان آداب نیللماسی و زکوات بیاموزند.

ولتر گارد، هنرمندانه یا غیرهنرمندانه، خوب یا بد، کاریکتوری کشیده است. اگر کسی آن را نمی پسندد، از آن بدش میاید، "نفرت" اش میگیرد، دندان روز جگر بگذارد. آن را نخرد و به دیوار منزلش نصب نکند. ولتر گارد به کدام نفرت دامن زده است؟ که به فرمان خاتم عبادی و آقای گنجی نه تنها حق دریافت جایزه ندارد که باید هنرش ممنوع شود؟ سلبی که از ترشحات فکری و فرهنگی امثال شما، خوششان نمی آید و حتی "نفرت" شان میگیرد، چه کنند؟ شکایت شان نسبت به قلم و کلام شما، و در خواست ممنوعیت آن را به کدام مرجع باید رجوع دهند؟

آزادیخواهان قلبی!

کسانی که تا وقتی " آزادیخواهی"، قرار است "حرف مفت" باشد، از ولتر انقلابی تر آید، و "حاضرید جانتان را بدهند تا ما مخالف حرفمان را بزنیم!" شیدای توصیف کمی در مورد پلاتنوم

سیاسی شما است. اکبر گنجی، خود کسی است که در سال ۲۰۰۷ این جایزه را دریافت کرده بود. دلیل انتخاب او، هم همان نیللماسی و سیاستی است که پشت جایزه امسال به ولتر گارد، خوابیده است. گنجی قطعاً در مقیاس جهانی آزادیخواهی، حتی در میان کشورهای اختناق زده و بسته ای هم که دولت با ساتسور و اختناق میلیونها نفر را اسیر و کت بسته در اختیار آنها گذاشته است، مقام و رتبه ای ندارد. احتمالاً کاریکتور ولتر گارد هم از نظر هنری مقام بالایی در جهان نداشته باشد. این جویز، اعطا آن به این یا آن شخصیت "جهان سومی" یا "غربی"، تنها نشان دهنده جهت گیری های مختلف نهادهای سیاسی پشت آن، در مقاطع مختلف است. چیز زیادی در مورد ارزش کار هنری یا سیاسی گیرندگان آن، نمی گوید.

لطفا خبر مجرمیت تهیه کنندگان سریان های تلویزیونی "سیمسون"، به خاطر تمسخر مسیحیت، و "ساوت پارک"، به خاطر توهین به همه مذاهب، تهیه کننده فیلم مانتی پایتن بدلیل تمسخر مریم مقدس و عیسی مسیح، را به آدرس ایران، برای خاتم عبادی و آقای گنجی ارسال کنید.

نوبل پزشکی، شلیکی ...

دوران تحقیقات نیز به دلیل فشار مذهب با کم توجهی مقامات اداری مواجه شده بود تا جایی که مؤسسه تحقیقات پزشکی از تأمین کامل هزینه تحقیقات خودداری کرده بودند. او که خودش را فرزند طیفه کارگر می داند در سال ۲۰۰۳ نیز گفته بود "چندان تعجب نمی کنم که برای نشان شوالیه مرا ناندیده گرفته اند. من سوسیالیست خیلی چپی هستم و از این بابت ککم نمی گزد". لازم به یادآوری است که دولت انگلیس نسبت به این رویداد مهم در تاریخ کشورش تا حد زیادی بی تفاوت مانده است.

اما اعطای دیر هنگام این جایزه منجر به عکس العمل ویحانه مأموران مرگ و سیاهی یعنی رهبران مذهبی و در رأس آنها پیشقراولان جهالت در واتیکان شده است. واتیکان که هنوز یک سال اخیر را با خبرهای ناخوشایندی همچون موجی از رسوایی جنسی کشیشان از سینی تا آلاسکا، آفرینش سلول زنده در آزمایشگاه، نظریه هاوکینگ مبنی بر

بی نیازی بیگ بنگ به شلیک کننده! و نظاهرات چند ده هزار نفری بی خدایان در اعتراض به سفر پاپ به لندن پشت سر نگذاشته است، با اعلام این خبر بر آشفته شده و رئیس آکادمی حق حیات! را مأمور شلیک تیری در تاریکی نمود.

ایگاسیو کاراسکو دی پاولا در گفتگو با خبرگزاری ANSA ایتالیا گفت "چنین کاری خارج از قاعده است" البته شاید جناب ایگاسیو قاعده را دخالت مذهب در اعطای جوایز بداند - چیزی که انتظار آن در دنیای آلوده به مذهب چندان هم جای تعجب نیست، اما برای میلیونها نفر از مردم جهان چنین کاری بسیار به قاعده بود. نظر لونیس براون ۲۲ ساله و اولین نوزاد حاصل این پدیده علمی که خود مداری بسیار شاداب و سرزنده است، بسیار معتبرتر از نظر جناب ایگاسیو است. لونیس با شنیدن این خبر گفت "من و مادرم خیلی خوشحال هستیم که یکی از پیشکسوتان لقاح مصنوعی به آنچه لایقش بود رسید".

ایگاسیو که برای کاهش رسوایی ناچار شد پشت پرده "نظر شخصی من" قلم

شود توجیهات اخلاقی برای لقاح مصنوعی تراشید و گفت "در بهترین حالت سلولها را به درون لوله منتقل می کنند، اما به احتمال زیاد آنها را مرده رها می کنند بدون چنین کاری نه بازاری برای فروش تخم وجود داشت و نه فریزرهایی پر از جنین. اینها مسائلی هستند که برنده نوبل مسئول آن است."

اینها هم اراجیفی هستند که مأمور حق حیات! مسئول آنهاست. اما اگر آقای ایگاسیو که نگران جنین های رها شده است می تواند نگاهی به پرونده قطور رسوایی های جنسی مردان خدا و اگر نگران فروش تخم است که در بیشتر موارد داوطلبانه اهدا می شوند - می تواند نیم نگاهی به میلیونها زن محروم از حق ازدواج و مادر شدن در کلیسایش بیندازد که مذهب زندگی آنها را در محرومیت از نیازهای جنسی و عشق تباه کرده است. فریزرهای مملو از جنین هم دخلی به دنیای مذهب ندارد، چرا که آنها هم محصول پیشرفت علم و تکنولوژی هستند که مذهب از اساس با آن مخالف بوده و کمتر دانشمندی است که چوب تکفیر،

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران
شما می توانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در این ساعت باشید
www.radiopartow.com/wp/

مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفت و شنود با رهبری حزب حکمتیست

اوضاع سیاسی ایران، حزب حکمتیست و مصافهای دور آتی

لندن: شنبه ۲۳ اکتبر ساعت ۲ بعدازظهر رحمان حسین زاده، آذر مدرسی

گوتنبرگ: شنبه ۳۰ اکتبر ساعت ۶ بعدازظهر رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی

استکهلم: شنبه ۶ نوامبر ساعت ۱ بعدازظهر رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی

همه علاقمندان را به شرکت در این گفت و شنود دعوت میکنیم

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست

آمده و در اعتصاب است. این بسیار شغف انگیز است. در اسپانیا، یونان، و شاید قریبا در انگلستان هم کارگران و مردم آگاه، در تعرضاتی سنگین علیه سرمایه درگیرند. صدای همین کارگران نجات یافته ی شیلیایی که به اعتراض بلند است، پیام امیدی را دربر دارد. اما همه ی این امیدهای زیبا، اسیر سندیکالیسم، ناسیونالیسم و پراکندگی بر حسب شاخه های تولیدی و یا درون مرزها ی دستساز سرمایه اند. درفرانسه، بورژوازی از "سیاسی" شدن مبارزات کارگران هراسیده است. آقای رئیس جمهور فرانسه آنقدر احمق نیست که نداند مبارزه ی کارگران از همان اول هم سیاسی بود. چیزی که بخوان جانشین پینوشه، چاپلوسانه وعده میدهد که "تلاش خواهد کرد" جلو تکرار چنین وقیعی را بگیرد! اما فورا با این سوء ظن روبروست که به خاطر "هزینه ی بسیار" نخواهد توانست به این وعده وفا کند. به عبارت ساده تر، بورژوازی، حتی در این لحظات خیال ندارد از استعمار وحشیانه دست بردارد و خجولانه میگوید: جان کارگر ارزاتر است!

این جبهه ی جنگ نابرابر بورژوازی علیه کارگر، در سکوت رسانه ها، هر ساله دهها هزار قربانی میگیرد. هیچکس خبر ندارد که تحمیل کار شاق و بالابردن بارآوری و افزایش ساعات کار و کاهش دستمزدها و نگرانیهای کاری و خانوادگی چه اندازه به سلامت افراد طبقه ی کارگر صدمه میزند و به چه تعداد سخته ها و بیماریهای روحی و جسمی از این رهگذر، بازهم قربانیهای بیشتری میگیرد. پاسخ این تعرض، هیاهوی ناسیونالیستی "زنده باد شیلی" نیست؛ مرگ بر نظام تولیدی سرمایه دار نیست! این حقیقت نباید در میان تریک و تهنیت به خانواده های کارگران نجات یافته گم شود. تعرض دد منتهای ی بورژوازی در سراسر جهان با هیاهوی "پیشرفت" توجیه میشود؛ انگار اگر سرباز ۱۲ ساله یی با تفنگ ام ۱۶ بجنگد اشکالی ندارد!

کارگر کمونیست انسان را بر پیشرفت مقدم میشمارد. این هوش فراوانی نمیخواهد که بورژوازی باید دست از این حماقت بردارد که موبایل تلفن امتیازی برای تنفروش به شمار نمیرود؛ و ابزارها باید در خدمت انسانها باشند نه برعکس! نه؛ بورژوازی هم آنقدر احمق نیست. چیزی که در این میان کم است نیرویی است که در روشنایی این منطق، زورگویی این دد منشان را به عقب نشینی وادارد.

آیا در فرانسه دارد این اتفاق میافتد؟ همه ی جامعه ی آگاه فرانسه به خیابان کارگر کمونیست انسان را بر پیشرفت مقدم میشمارد. این هوش فراوانی نمیخواهد که بورژوازی باید دست از این حماقت بردارد که موبایل تلفن امتیازی برای تنفروش به شمار نمیرود؛ و ابزارها باید در خدمت انسانها باشند نه برعکس! نه؛ بورژوازی هم آنقدر احمق نیست. چیزی که در این میان کم است نیرویی است که در روشنایی این منطق، زورگویی این دد منشان را به عقب نشینی وادارد.

آیا در فرانسه دارد این اتفاق میافتد؟ همه ی جامعه ی آگاه فرانسه به خیابان

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید



رایدیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر



زنده باد سوسیالیسم